

واقعیت‌های تلخ و دردناک جنگ چین

کارآمد و موفق بوده است. اقتدار جنگجویان چینی از نوع دیگر است. این اقتدار نه در قدرت آتش بلکه در خشونت و روحیات خلق و خوبی و فیزیکی آنها نهفته است. آنها ترجیح می‌دهند از نزدیک بجنگند و روش جنگ‌های چریکی را در پیش گیرند. روسها برای احتراز از جنگ نزدیک، سربازان خود را در سنگرهایی که دور از مواضع جنگجویان چینی است محفوظ نگاه می‌دارند و با سلاح‌های دوربرد مواضع آنها را هدف می‌گیرند. با آنکه جنگجویان چینی چندین هواپیمای روسی را سرنگون کرده‌اند، مدتی است چنین اتفاقی تکرار نشده است. به عقیده روسها یا سلاح‌های ضدهوایی آنها به پایان رسیده و یا ترجیح می‌دهند فعلاً از این سلاح‌ها استفاده نکنند.

برتری شکننده

این تاکتیک‌های محتاطانه که با تلفات کمتری همراه است موجب محبوبیت روزافزون آقای بوتین نخست‌وزیر روسیه که به پایان دادن به بحران چین از طریق نظامی اصرار دارد، شده است. اما مشکلات آقای بوتین در حال ظاهر شدن است. نخست‌وزیر روسیه اکنون در توضیح و توجیه علل جنگ چینی چندان موفق نیست. روسها در اوایل علت جنگ را به انزوا کشیدن چین عنوان می‌کردند. بعداً گفتند هدف از آن هجوم به مواضع تروریست‌ها است و چندی بعد عنوان کردند که هدف از جنگ ایجاد یک «منطقه آزادشده» در شمال کشور است. اکنون مشاهده می‌شود که هدف از ادامه جنگ نیل به یک پیروزی کامل نظامی است که احتمالاً تنها از طریق انهدام کامل چین به دست خواهد آمد. روسیه برای رسیدن به این هدف راهی بس خونین، پردردسر و طولانی در پیش خواهد داشت.

از سویی، برتری نظامی روسیه یک برتری شکننده است. جنگ فاجعه‌آمیز ارتش شوروی

چگونه از قدرت ارتش خود حداکثر بهره‌برداری را بکنند. به جای آن که تانک‌های خود را عجلولانه به درون گروزی پایتخت چین برانند تا به راحتی به دست چریک‌های چینی منفجر و نابود شوند روند جنگ را به آهستگی پیش می‌برند. زمانی که توپچیان روس با مقاومت روبرو می‌شوند به جای نزدیک شدن به دشمن، سعی می‌کنند دشمن را دور بزنند و یا از نیروی هوایی و یا توپ‌های بیشتر کمک بگیرند. در بسیاری از جبهه‌ها توسل به شکیبایی کاملاً مشهود است: در یک نبرد در جبهه باموت (شهری در جنوب چین) که هفته‌ها ادامه پیدا کرد، روسها هیچ عجله‌ای برای پیروزی نداشتند و با دفع‌الوقت و طولانی کردن جنگ سرانجام بر دشمن فائق آمدند.

غرب در قبال جنگ چین، مانند بسیاری از سیاست‌های دیگر خود دودوزه‌بازی می‌کند

هزینه‌های جنگ چین بسیار سنگین است. دولت اخیراً یک میلیارد دلار دیگر به این جنگ تخصیص داده است. با این حال تا این لحظه تاکتیک‌های ارتش روسیه در جنگ چین

برحذر بودن از خطاهای کوچک در روسیه مستلزم پیمودن راه‌های ناهموار طولانی است. روسها در جنگ جدیدشان علیه چین از جنگ قبلی دو درس بزرگ گرفته‌اند: در آن جنگ که در سال ۱۹۹۶ پایان گرفت روسها با تحقیر، پیروزی را به چینی‌ها واگذاشتند. نخستین درس این بود که اهمیت تبلیغات در جنگ کمتر از خود جنگ نیست. در جنگ قبلی مدیریت اخبار روسها تا حد استهزاء‌آمیزی ضعیف بود: بخش بزرگی از رسانه‌های مسکو با جنگ به مخالفت برخاستند و اخبار جنگ را به منظور تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی بزرگ‌نمایی کردند، اما این بار رسانه‌های روسیه و به ویژه تلویزیون مسکو در بخش اخبار جبهه‌ها و پیروزی‌های ارتش روسیه دست بالا را گرفته‌اند. از تلفات سربازان روس کمتر سخن به میان می‌آورند و جنگجویان چینی را گانگستر، تروریست و یا دیوانگان مذهبی می‌نامند. با آنکه دویست هزار آواره چینی از خانه‌های خود گریخته‌اند رسانه‌ها سخنی از آوارگان و آوارگی به میان نمی‌آورند. گزارش‌های رسانه‌های غربی که معمولاً عکس تبلیغات روسها است به عنوان گزارش‌های دروغ و من درآوردی در رسانه‌های روسیه منعکس می‌شود. به عنوان مثال، یک حمله هوایی به یک کاروان صلیب سرخ در روز ۲۹ اکتبر که در نتیجه آن دوتن از کارکنان این سازمان کشته شدند انعکاسی بسیار اندک در رسانه‌های روسیه داشت.

ولادیمیر بوتین نخست‌وزیر روسیه در پاسخ به رسانه‌های غربی گفته است: «همه شایعات مربوط به بمباران ساکنان غیرنظامی چینی، تبلیغات بیمارگونه تروریست‌هایی است که از رسانه‌ها برای تبلیغ افکار افراطی رهبران اسلامگرا و تحریف اطلاعات صحیح استفاده می‌کنند.»

دومین درس روسها از جنگ گذشته درسی است نظامی، روسها در این جنگ آموخته‌اند

سابق در افغانستان نیز عملیاتی بود که روسها در ابتدا آن را جنگی آسان با بدست آوردن یک پیروزی سریع ارزیابی می‌کردند، ولی به زودی معلوم شد که ارتش شوروی برای درگیری در چنان جنگ‌هایی آموزش ندیده است، امروز نیز ارتش روسیه نسبت به ارتش آن زمان شوروی تغییر خاصی نکرده است. تنها بی‌توجهی و بی‌انضباطی در صفوف سربازان و فساد در رده‌های افسران نیست که کارآمدی ارتش روسیه را زیر سؤال می‌برد. ارتش روسیه در رده‌های پایین از آموزش نظامی بسیار بد و ناکافی و بی‌انضباطی شدید برخوردار است. میخوارگی در میان سربازان به شدت متداول است و صدای آوازه‌های مستانه همواره در نیمه‌های شب از سنگرهای سربازان به گوش می‌رسد.

مشکل دیگر آقای پوتین کم شدن تدریجی حمایت مردم از جنگ چین است. ان‌تی‌وی مشهورترین کانال خصوصی تلویزیونی در مسکو نغمه‌هایی را در انتقاد از جنگ چین ساز کرده است و مرتباً از مخالفان جنگ دعوت می‌کند تا در برنامه‌های تلویزیونی شرکت کنند و دلایل مخالفت خود را با جنگ شرح دهند. این ایستگاه تلویزیونی روز اول نوامبر از «یوری لوزکف» شهردار مسکو دعوت کرد تا در برنامه‌ای نظر خود را درباره جنگ چین اظهار کند و او این جنگ و ادامه آن را نابخردی خواند.

روسها، حتی اگر به پیروزی‌های بیشتری در این جنگ نایل شوند ضربه‌ها و خسارتی که بر غیرنظامیان وارد می‌شود یادآور این نکته است که این جنگ جنگی است نه عاری از چرک‌های جنگ و نه ارزان. زندگی مردم چین در زیر چکمه‌های سربازان روس در صورت اشغال کشورشان یک زندگی رفت‌انگیز و تحقیرآمیز خواهد بود. افسران روس در خلوت اقرار می‌کنند که در صورت فتح گروزی سربازان دست به غارت اموال غیرنظامیان خواهند زد. در جبهه‌ها نیز سربازان، آوارگانی را که در حال فرار هستند هدف می‌گیرند تا از فرار آنها جلوگیری کنند جندی پیش روسها راه فرار آوارگان به اینگوش (همسایه چین) را بستند. مردم اینگوش در طول جنگ به آوارگان چینی پناه می‌دادند و خانواده‌های آنها را در خانه‌های

خود می‌پذیرفتند. پس از اعتراض‌های مستمر سایر کشورها، روسها مجبور شدند مرزهای اینگوش را به روی آوارگان چینی باز کنند و به هزاران آواره چینی اجازه دهند به اینگوش پناهنده شوند. با این حال هنوز در زمان تهیه این گزارش [چهل هزار آواره در یک صف به طول ۱۵ کیلومتر در دام سربازان روس گرفتار آمده‌اند. آنهایی که موفق به عبور از مرز اینگوش می‌شوند در اردوگاه آوارگان به امنیتی موقت دست می‌یابند. با این حال روسها برای آنکه حضور خود را در اطراف آوارگان اعلام کنند، گهگاه به اردوگاه‌های آنها تیراندازی می‌کنند.

وضع بیمارستان‌های اینگوش نیز برای زخمی‌های جنگ بهتر از چین است. در بیمارستان‌های چین به دلیل نبودن برق، جراح‌ها ناچارند اعمال جراحی را که معمولاً قطع دست یا پای زخمی‌ها است در زیر نور شمع و اکثراً بدون استفاده از داروی بیهوشی انجام

دهند. اردوگاه‌های برپا شده در اینگوش منظم است و نیازهای اولیه آوارگان در آنها وجود دارد. با این حال «الیزاوتا عمر خوجیوا» رییس صلیب سرخ اینگوش می‌گوید هرروزه تعداد بیستری از خانواده‌های اینگوشی به او مراجعه می‌کنند و می‌گویند آنها مکان و غذای اضافی برای پناه دادن عده‌ای آواره چینی در اختیار دارند.

آوارگان از جهانیان انتظار دارند به جنگ چین خامه دهند تا آنها موفق به بازگشت به خانه‌هایشان شوند. معمولاً در اطراف بازدیدکنندگان از اردوگاه‌ها جمع می‌شوند و ضمن شکایت از رفتار خشن روسها درباره چگونگی دریسافت

پناهندگی سیاسی به کشورهای دیگر اطلاعاتی به دست می‌آورند. بسیاری از آنها معتقدند که روسها سرانجام دست به کشتار مردم چین خواهند زد.

غرب در قبال جنگ چین، مانند بسیاری از سیاست‌های دیگر خود دودوزه‌بازی می‌کند و با دست کم دست به عصا است. پس از آنکه وزیر خارجه فنلاند (فنلاند ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا را به عهده دارد) در معیت افسران روس از جبهه چین دیدن کرد. روش روسها در این جنگ را مورد انتقاد قرار داد. دیپلمات‌های اروپایی، در کریدوره‌های پارلمان اروپا درباره معلق گذاشتن روسیه از عضویت در شورای اروپا صحبت می‌کنند. اما هیچ یک از این تمهیدات جنبه عملی که بتواند مستقیماً پایان جنگ چین را ممکن کند، نداشته است.

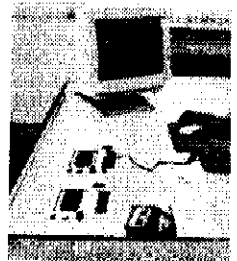
منبع: مجله اکونومیست، ۶ نوامبر ۱۹۹۹
برگردان از بخش ترجمه «گزارش»

شرکت کتاب و نوار زبان سرا

نماینده رسمی و انحصاری دانشگاه آکفورد در سراسر ایران



مرکز فروش کتاب، نوار و فیلم‌های آموزشی زبان در تهران و شهرستانها
مرکز توزیع عمده محصولات فرهنگی به فروشگاههای عرضه محصولات فرهنگی یا مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازنده لابراتوارهای زبان برای مراکز دانشگاهی و آموزشی با تجربه چند ساله.



نشانی: تهران، خیابان انقلاب، اول خیابان وصال
شعبه ۲۷، طبقه سوم.
تلفن: ۶۴۶۲۱۵۲، ۶۴۶۲۶۱۲، ۶۴۶۲۱۵۲